

متن پرسش

سلام استاد: نظر شما در مورد مطلب زیر را خواستم جویا باشم: برابر با روایات شب قدر افضل شب‌های سال است که در این شب، مقدرات بندگان برای یک سال آینده تعیین می‌شود. به همین دلیل، آن را «شب قدر» نامیده‌اند. «شب قدر» یک ساحت زمانی و ظهور دارد که مستند به آیات قرآن یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است و یک ساحت تکوینی و منزلتی. در واقع ظرف وجودی شب قدری که در آن قرآن نازل شده و ارزش هزارماهه پیدا کرده پیش از آن باید به چنین منزلتی در عرصه تکوین رسیده باشد. به بیانی دیگر شب قدر شب نزول قرآن است و قرآن مظلوفی است که تنزل پیدا کرده و به عالم زمینی رسیده است. برای این امر باید برای این مظلوف، ظرفی وجود داشته باشد تا پذیرای عظمت قرآن باشد و این ظرف چیزی جز قلب امام معصوم نیست. پرواضح است که ظرف و مظلوف باید متناسب هم باشند تا ظرف فراتر و پست تر از مظلوف نباشد. در مورد شب قدر دو نگاه می‌توان متصور شد. یکی اینکه فقط یک شب قدر بوده و آن یکی از ۲۳ شبی بوده که در زمان حیات پیامبر اکرم بوده و قلبی که پذیرای قرآن بوده همان وجودی است که فاطمه را قبل از تولد در خود نهان داشته است. تصور دوم این است که شب قدر هر ساله تکرار می‌شود و قرآن بر قلب و وجود امام معصوم علیه السلام نازل می‌شود و سایر ائمه معصومین علیهم السلام یا شخص امیرالمومنین که مساوی نفس پیامبر بودند و یا دودمان پرورش یافته و از گل وجودی حضرت زهرا سلام الله علیهم هستند. با این تفصیل شاید بتوان روایت امام صادق (ع) را توجیه کرد که چرا فاطمه سلام الله علیها معادل «لیله» قدر و منظور ضمیر «فیها» در آیه مبارکه «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا...» و مساوی شب قدر و ظرف محوری نزول قرآن و هدایت تکوینی و تشریعی انسانها قرار می‌گیرند. از امام جعفر صادق (ع) در تفسیر فرات کوفی، چنین نقل شده است: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ. اللَّيْلَةُ: فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ: اللَّهُ. فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا، فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا ... وَ قَوْلُهُ: وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، يَعْنِي: خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ مُؤْمِنٍ وَ هِيَ أَمُ الْمُؤْمِنِينَ. تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ الرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فَاطِمَةُ. يَأْذُنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ. يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ. اللَّيْلَةُ، حَضْرَتُ فَاطِمَةَ، اسْت. الْقَدْرُ، «اللَّهُ» اسْت. پَسِ هَرِ كَسِ كِه فَاطِمَةُ وَ مَقَامِ اِيشَان، رَا بِه حَقِيقَتِ بَشِنَاسِد، حَتْمًا شَبِ قَدَرِ رَا دَرِ كِ كَرْدِه اسْت. وَ عِلَتِ نَام‌گِذَارِیِ اَن حَضْرَتِ بِه فَاطِمَةُ، بِه خَاظِرِ اِین اسْت کِه مَرْدَمِ اَز شَنَاخْتَنَش، نَاتَوَانِ هَسْتَنَد. اَمَا مَعْنَایِ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ، بَهْتَرِ اَز هَزَارِ مَاهِ اسْت»؛، يَعْنِي، بَهْتَرِ اَز هَزَارِ مُؤْمِنِ اسْت وَ اَن نِیزِ اَمُ الْمُؤْمِنِينَ حَضْرَتِ زَهْرَا (س) مِی‌بَاشَد. مَرَادِ اَز مَلَائِكَةُ، مُؤْمِنَانِ عَالِمِ بِه عُلُومِ آلِ**

محمد و مراد از روح یا روح القدس همانا، فاطمه است و مراد طلوع فجر، ظهور حضرت مهدی و قائم، است. نتیجه اینکه برای درک شب قدری که در ماه مبارک رمضان واقع شده باید ولایت و حقیقت تکوینی حضرت زهرا سلام الله علیها شناخته و درک شود و ولایت ایشان پذیرفته شود تا از سویی شب قدر، به منزلتی فراتر از شب‌های دیگر برسد و از سویی ظرف نزول مقام رفیع قرآن کریم عینیت یابد تا نزول قرآن و زمینی شدن آن در قلب معصوم محقق شود فاطمه زهرا (س) رمز و راز بقای اسلام محمدی (ص)، حلقه اتصال نبوت، امامت و ولایت، وارث سریر رسالت، حامی امامت و حامل ولایت است. فاطمه که خود کوثر و خیر کثیر جاری در جان جهان و باقی در هر زمان است، کوثر وجود یازده امام معصوم (ع) بعد از خویش است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مطالبی که فرموده‌اید نکات خوبی است و به همین جهت باید در نسبت شب قدر و وجود مقدس حضرت زهراى مرضیه «سلام‌الله‌علیها» فکر کرد. عرایضی در کتاب «مقام لیلة القدري حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» که روی سایت هست، شده است. ولی باز هم باید برای درک مقام لیلة القدري حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» جلو و جلوتر رفت تا در افق شخصیت اجمالی آن بانوی بزرگ به مطلع الفجر تاریخی جهان اسلام رسید. موفق باشید